

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۱ • **۱۴ ربيع الثانی ۱۴۴۴** • **۹ نوامبر ۲۰۲۲** • **سال بیستم** • **شماره ۴۴۱۶** • **۱۲ صفحه**
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • **۲۲** • **اذان مغرب ۱۷:۲۱**
اذان صبح فردا ۵:۰۹ • **طلوع آفتاب ۶:۳۵**

سرتق

دیالوگ روز

هرکولس - برت رتتر - ۲۰۱۴

پادشاه تراس (جان هرت)، گناه تو، هرکولس! این بود که هیچ جاه‌طلبی ای نداشتی. می‌تونم با یه مرد جاه‌طلب کنار بیام!

اونو میشه خرید!

اما مردی که هیچی نمی‌خواد، هیچ قیمتی نداره!

خبرخوانی

بنایی که دیگر قابل مرمت نیست

ایرج اعتمادی، نویسنده و روزنامه‌نگار، خیر انتصاب عبدالملکی وزیر مستعفی یا معزول(!) دولت در رأس دبیرخانه مناطق آزاد، افکار عمومی را به حیرت واداشت. اگرچه از دیرباز انتصاب‌ها در صدر و ذیل مناطق آزاد نه براساس تخصص‌ها، شایستگی‌ها و تجربه، بلکه کاملا سفارشی و سیاسی است، بر این‌ انتصاب هم نمی‌توان خرده گرفت!‌ک‌ه اگر غیر از این بود، کمی نامتعارف می‌نمود و شاید جای شگفتی داشت!

با جفایی که سال‌ها بر مناطق آزاد کشور رفته، امروز دیگر سخن از اهداف و مأموریت‌های مناطق آزاد سخنی تقریبا گزافه است. چه مدیران عامل آن مناطق، چه دبیرخانه سال به سال مناطق آزاد را از اهداف و مأموریت‌های اصلی خود دور کرد. پس از گذشت ۳۰ سال از تأسیس اولین منطقه آزاد در ایران هنوز یک طرح تفصیلی و طرح جامعی که بتواند داقفل نقشه راه مدیران دولت‌های متعدد باشد، وجود ندارد؛ در هر دولتی و حتی هر دوره مدیریتی، با برداشت‌های سطحی از اهداف تشکیل مناطق آزاد، برنامه‌ها و راهبردهای خلق‌الساعه‌ای روی میز مدیران قرار می‌گیرد و بعضا راهبردها و نقشه راه‌هایی هم برای حال و آینده خود و دولت‌های بعدی حتی ترسیم می‌شود؛ درحالی‌که اجرای برنامه‌های خودتعیین‌کرده برای همان مدیر و همان دوره مدیریتی هم قابلیت اجرایی نداشته و بیشتر نگاه‌ها به سمت برنامه‌های عمرانی نظیر ایجاد فضای سبز، پارک‌های خطی در حد مأموریت‌های جزء شهرداری‌ها رفت تا هم بی‌کار نمانده باشند و هم در ظاهر بخش‌هایی از افکار عمومی ناکا‌ه به فلسفه وجودی مناطق آزاد ارا افتاد کنند تا بلکه پاسخی برای افکار عمومی بیابند. جالب اینکه برخی از مدیران عامل و معاونت‌ها مأموریت‌هایی فراتر از آن هم برای خود متصور نبودند؛ زیرا نه تخصصی داشتند و نه می‌توانستند یا مایل بودند مدیرانی خارج از انتصاب‌های سیاسی و سفارشی را که اغلب هم فاقد تجربه و تخصص بودند، جذب کنند. همه این پوشش‌ها برای دیده‌نشدن معاملات و معادلات در حیطا خلوت دولت‌ها بود که تازه بعد از تغییر هر دولت‌تشدت‌ها از بام می‌افتد. مفاسدی اعم از اقتصادی و سوءچریان‌هایی به دادگاه‌های بندرعباس کشیده می‌شود و در بوق و کرنا می‌شود که گویی دولت بعدی یا مدیر بعدی انسان صالحی است که برای مبارزه با فساد آمده است. تازه بعد از چند سال درمی‌یابیم که اصلا فلسفه وجودی مناطق آزاد برای دولت‌ها چیزی بالاتر از این نیست و این «در» در مناطق آزاد تا هست، بر این پاشنه باید بچرخد.

یکی از معضلات اساسی و درعین‌حال ساده‌ترین مشکلات مناطق آزاد که از همان آغاز روی کار آمدن سعید محمد گریبان‌گیر دبیرخانه بود، بحث اخذ مالیات و مالیات بر ارزش‌افزوده بود که برخلاف قوانین مربوط به معافیت‌های مالیاتی بر مناطق آزاد تحمیل شده است. اگرچه دبیر سابق از همان روزهای نخست عزمش را برای حل این مشکل جزم کرد؛ ولی نتوانست به این ساده‌ترین مطالبه فعالان اقتصادی مناطق آزاد پاسخی درخور بدهد. بعد از گذشت بیش از یک سال، این مطالبه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران فراری؛ و این موضوع همچنان خاک می‌خورد و مردم ناراضی، سرمایه‌گذاران فراری؛ و این موضوع به یکی از موانع اصلی ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بدل شده است.

با طرح جامع ارتباطی خلیج فارس مشهور به پل خلیج فارس هم که ظاهرا پروژه‌ای است برای همه دولت‌ها و مدیران عاملی که به قشم می‌آیند، با وجود وعده‌ها و تائیدات، آب از آب تکان نخورد. بیش از ۱۲ سال از شروع عملیات اجرایی این پروژه -در سال ۸۹- می‌گذرد و با وجود هزینه‌های هنگفتی که بر دولت وقت تحمیل شده، از سال ۹۱ عملیات اجرایی این پروژه رسما متوقف شد. و در تمام این سال‌ها هر بار مدیران عامل خیر از شروع مجدد عملیات اجرایی این پروژه دادند؛ ولی نشد؛ حتی امروز که فتح‌اللهی، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، خیر اجرای این پروژه را می‌دهد، قطعا باز هم ممکن نیست! چه چیزی مانع اجرای این پروژه است، همین‌قدر که دبیر جدید شورای عالی مناطق آزاد پاسخ این معما را پیدا کند، شاهکار کرده است.

اگر ناکامی در راه‌اندازی سایت بانکرینگ سلخ در بحث سوخت‌رسانی به کشتی‌های عبوری خلیج فارس را هم به آن بیفزاییم، به اضافه طرح ناکام توسعه اسکله کاوه، دست‌هایی در پشت صحنه عنای می‌شوند که نمی‌خواهند -برای نمونه- منطقه آزادی مثل قشم با ظرفیت‌های عظیمی که دارد، با کشورهای همسایه رقابت کند، چه پرسد رقابت با مناطق آزاد دنیا که در مانیفست و فلسفه وجودی مناطق آزاد آمده است. سوخت‌گیری به کشتی‌های عبوری خارجی پیشکش، درحال‌حاضر حدود ۳۰۰ شناور ایرانی در فجیره امارات متحده عربی سوخت‌گیری می‌کنند؛ در نبود یک مدیریت خردمندانه در این سوی خلیج فارس، فجیره این شهر کوچک امارات پینتاز سوخت‌رسانی در آن سوی خلیج فارس شده است.

حالا حجت‌الله عبدالملکی میراث‌دار این سبیکل معیوب در مناطق آزاد است. مناطقی که در این سال‌ها نه تولید ثروتی در برنامه داشتند یا قادر بودند و نه در بحث صادرات موفق عمل کردند؛ بلکه به دروازه واردات به کشور تبدیل شدند و چه بسا به‌تازگی با توجه به افزایش تورم و نوسانات ارز به واردات از داخل کشور اما با برندهای معتبر دنیا، بدل شده‌اند و این آخری البته بد نیست ممکن است بتواند به تولید داخلی کمکی هم بکند؛ حالا که همه چیز برخلاف قوانین مناطق آزاد پیش می‌رود، این هم پیشکش.

به حال ماموریت سختی پیش‌روی عبدالملکی است، اگر می‌خواهد کار کند!

پیشینیان به‌دurstی گفته‌اند «هیچ کجا خانه

خود آدم نمی‌شود»، اولین تفاوت «خانه خود» با

دیگر مکان‌ها، آزادی در رفت‌وآمد است، اگر فرد

امکان آزادانه آموشد نداشته باشد، محیط برای

او در حکم زندان خواهد بود. این روزها ممانعت

از خروج چهرهای شناخته‌شده از کشور و بازتاب

داخلی و بین‌المللی آن به حساسیت‌ها دامن زده

است. حق آزادی تردد در سطح ملی و جهانی

مورد توجه اسناد حقوق‌بشری بوده است. ماده ۱۳

«اعلامیه جهانی حقوق بشر» بیان می‌دارد: «(۱)

هرکس در محدوده مرزهای هر کشور حق آزادی

رفت‌وآمد و اقامت دارد؛ (۲) هرکس حق ترک هر

کشور، ازجمله کشور خود و بازگشت به کشور خود

را دارد.» در راستای اجرایی‌کردن آرمان‌های اعلامیه

جهانی حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل

متحد در تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۴۵ میثاق بین‌المللی

حقوق مدنی و سیاسی» را از تصویب گذراند. دولت

ایران (به‌عنوان عضو مؤسس سازمان ملل متحد)

این متن ۵۳ ماده‌ای را در ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۴

به تصویب مجلس رساند و تا به امروز همچنان

معتبر است. بر مبنای ماده ۱۲ میثاق، هرکس آزاد

است هر کشوری و ازجمله کشور خود را ترک کند،

همچنین هیچ‌کس را نمی‌توان از حق ورود به کشور

خود محروم کرد.

با انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ و از زمان

شکل‌گیری حقوق مدرن در ایران، حق آزادی در

رفت‌وآمد در حقوق داخلی پذیرفته شد. اصل

چهاردهم متمم قانون اساسی مشروطیت بیان

می‌کرد: «هیچ‌یک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا

منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محلی



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند». پس

از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در

سال ۱۳۵۸ این تعابیر در دو اصل مختلف پذیرفته

شد و با وجود بازنگری در سال ۱۳۶۸ بدون تغییر

باقی ماند. مطابق اصل سی‌وسوم قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران: «هیچ‌کس را نمی‌توان از

محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل

مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور

کرد، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد» و در

اصل چهل‌ویکم می‌خوانیم: «تابعیت کشور ایران

حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند

از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست

خود او یا درصورتی‌که به تابعیت کشور دیگری

درآید.»

هر اصلی استثنائاتی دارد و در تعدادی از قوانین

کیفری و مدنی به این موارد اشاره شده؛ ولی باید

در نظر داشت استثنائات همیشه باید محدود و در

حوزه خود تفسیر شود و با تعمیم به موارد دیگر به

شکل اصل درنیاید. یک نمونه ماده ۱۸۸ «قانون این

دادرسی کیفری» (۴ اسفند ۱۳۹۲) است: «تا هنگامی

که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می‌تواند

با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع

خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور،

شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور

متهم در بازرسی یا صدور قرار موقوفی، ترک یا منع

تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله

به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. درصورتی‌که

مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این

دستور خود به خود منتفی است» و مراجع مربوط

نمی‌توانند مانع از خروج شوند.» این محدودیت تنها

درمورد مهمانی قابل اعمال خواهد بود که به آنان

دسترسی وجود نداشته باشد و بعد از شش ماه خود

به خود منتفی می‌شود. در مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ همین

قانون استفاده از ابزار ممنوعیت خروج از کشور

به‌عنوان یک قرار تأمینی وجود دارد. این قرار هم تنها

شش ماه اعتبار دارد و حتی متهم می‌تواند ظرف ۱۰

روز از تاریخ ابلاغ نسبت به آن به دادگاه اعتراض کند.

با بررسی قوانین و مقررات مختلف می‌توان به موارد

دیگری نیز پی برد. ماده ۱۶ «قانون گذرنامه» (۱۰

اسفند ۱۳۵۱) در مواردی نظیر اعلام کتبی مقامات

قضائی، اعلام کتبی و قبلی مقامات امنیتی و اثبات

سوءشهرت در کمیسویونی خاص، صدور گذرنامه را

برای این اشخاص منع کرده است. بدیهی است این

موارد غیر از موردی بوده که برای فرد گذرنامه صادر

شده و فقط محدود به مدت و شروط تعیین‌شده بوده

و این موارد هم نیازمند انجام سیر اداری یا قضائی

است. همین‌طور طبق ماده ۲۳ «قانون نحوه اجرای

محکومیت‌های مالی» (۱۵ مهر ۱۳۹۳) مرجع

اجرای احکام مدنی می‌تواند با تقاضای محکوم‌له

(دادبرده) محکوم‌علیه (دادبایخته) را با شرایطی

ممنوع‌الخروج کند که البته پس از پرداخت بدهی یا

توافق بین طرفین این تصمیم منتفی می‌شود.

نکته مهم اینکه هیچ حقی برای مقامات برای

توقیف یا ضبط گذرنامه افراد پیش‌بینی نشده است.

اگر فرد ممنوع‌الخروج باشد، در مرزهای بین‌المللی

اجازه خروج نخواهد داشت و ضبط گذرنامه معنا

ندارد. در صورت نقض حق شهروندی افراد در

رفت‌وآمد آزادانه به دلیل پیش‌بینی این حق در

قانون اساسی، افراد می‌توانند مقام اداری یا قضائی

را به استناد ماده ۵۷۰ «قانون مجازات اسلامی»

(اصلاح‌شده در ۱۱ دی ۱۳۸۱) مورد تعقیب کیفری

قرار دهند: «هریک از مقامات و مأموران وابسته به

نهاده‌ا و دستگاه‌های حکومتی‌که برخلاف قانون،

آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را

از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و

محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به

حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

به‌تازگی سخنگوی دولت سخاوتمندانه بیان کرده‌اند

«فرد ممنوع‌الورود نداریم!» به شکل بدیهی هر

شخص حق آمدن به کشور خود را دارد و نگرانی‌ها

بابت ممنوع‌الخروجی است. «ایران خانه ماست»!



• منطقه ۲ آزادراه تهران-شمال ۲۲کیلومتر طول و ۵۹رشته تونل دارد و باند اول آن دارای ۳۱ رشته تونل جمعا به طول ۱۶۵۰۰متر است.

عکس:اکبر توکلی/ايرنا

نقد هفته

ترک نکردن عادات در فصول سرد

در فصول گرم سال که در بعضی مناطق کشور تا ۱۰ ماه هم به طول می‌انجامد، مردم به علت هجوم خشکی چشم و گرد و خاک و انواع تحریکات سطح چشم، در یک آزمون و خطای درونی به این نتیجه می‌رسند که بهتر است برای

بهبود علائم خشکی چشم مصرف آب روزانه خود را بیشتر کنند. تا جای ممکن از عینک آفتابی استفاده کنند و در صورت نیاز از قطره‌های اشک مصنوعی ساده و بی‌ضرر استفاده کنند. وقتی اسما پاییز و زمستان فرامی‌رسد کم‌کم این عادات خوب در فقره بهداشت چشم فراموش می‌شود. عینک‌های آفتابی برداشته

می‌شود، مصرف اشک مصنوعی قطع می‌شود و مصرف آب کاهش می‌یابد. در یک حساب‌وکتاب سرانگشتی با فراسیدن پاییز و زمستان، حتی اگر از گرمی هوا کاسته نشود، کاهش طول روز و غروب زودتر آفتاب خود یک عامل محافظتی

برای بیماران مبتلا به خشکی چشم و متعلقاتش مثل ناخنک است. ولی در طول روز و تا زمانی که آفتاب شفیت می‌دهد، اساسا چشم همان چشم است و آفتاب همان آفتاب. پس بهتر است عینک‌های آفتابی مثل فصول گرم در فصول

سرد هم استفاده شود. حتی اگر ابر در آسمان باشد از هم پوشش چشم‌ها امری ضروری است که با استفاده از یک عینک دودی مناسب نیل به این هدف

ساده است. در مناطقی که برف باریده و روز بعد، هم‌زمانی حضور آفتاب در

بالا و برف نشسته بر زمین در پایین را داریم، این ترکیب برای انعکاس اشعه

فرانفش نهایت قدرت را اعمال می‌کند؛ بنابراین هرچه از آفتاب می‌آید پس

از شکستن در سطح برف، یک‌راست تا عمق چشم ناظران نفوذ می‌کند. بدیهی

است که در این شرایط هم استفاده از عینک دودی امری ضروری است. شاید

از زمستان و پاییز بارانش عایدمان نشود، ولی بادش کم و بیش می‌وزد که یک

عامل منحصربه‌فرد برای خشکی چشم در فصول سرد است. از آنجایی که در

شهرهای بزرگ ما و مدل خاص مدیریت شهری در کشور ما، اگر احيانا دیدید باد

نمی‌آید و خوشحال شدید که امروز خشکی چشم کمتر است سخت در اشتباه

هستید چون باد از در برود آلودگی هوا از بنجره می‌آید و آلاینده‌های سربی و

نفتی و سمیانی و خاکی و هر چیز دیگری که به ذهنتان برسد، در کمین شما

نشسته است. پس منطقی است اشک مصنوعی برای شست‌وشوی این آلاینده‌ها

استفاده شود و مصرف مایعات هم بیشتر باشد.

خلاصه در جمع‌بندی به این نتیجه می‌رسیم و برای بهداشت چشم‌ها و مبارزه با خشکی چشم، اساسا فصل با فصل فرقی نمی‌کند و مخاطرات در همه ماه‌های سال وجود دارد، پس این سه روش بی‌خطر بهتر است همیشه اتخاذ شود: عینک آفتابی، اشک مصنوعی با نوع و تجویز درست و افزایش مصرف مایعات.

آخرین ماه‌گرفتگی امسال



دیروز به وقت ایران در بسیاری از نقاط جهان ماه‌گرفتگی به طور کامل قابل مشاهده بود. ماه‌گرفتگی خونین از ساعت ۱۱:۳۳ به وقت ایران و زمانی آغاز شد که ستاره وارد خارجی‌ترین منطقه سایه زمین شد. خسوف در ساعت ۱۳:۴۶ به وقت ایران کامل شد و در ۱۷:۲۶ به وقت ایران پایان یافت. این آخرین خسوف کامل ۲۰۲۲ بود. ماه‌گرفتگی زمانی رخ می‌دهد که ماه از سایه زمین بگذرد که ماه را تاریک می‌کند و گاهی وقت‌ها آن را به رنگ مایل به سرخ تغییر می‌دهد. تغییر رنگ به این دلیل است که نوری که به سطح ماه می‌رسد، از جو زمین عبور می‌کند. از آنجا که بینندگان تنها به نور خورشیدی نگاه می‌کنند که جو زمین پیش‌تر آن را کم‌چان کرده و از ماه بازتاب یافته است، نگاه‌کردن به آن بی‌خطر است. ماه‌گرفتگی کامل روز سه‌شنبه برای ساکنان آسیا، اقیانوس آرام و آمریکای شمالی قابل مشاهده بود و برخلاف خورشیدگرفتگی، لازم نبود کسی نگران سلامت چشم باشد؛ ماه‌گرفتگی در طول کل فرایند خسوف، برای مشاهده مستقیم بی‌خطر است. این ماه که به‌عنوان ماه خونی شناخته می‌شود، از نور غروب و طلوع خورشید به رنگ نارنجی متمایل به قرمز ظاهر می‌شود. به گفته دانشمندان ناسا، در اوج ماه‌گرفتگی، ماه ۳۹۰هزارو ۶۵۳ کیلومتر با ما فاصله داشت. در مجموع، آفریقا، خاورمیانه و بیشتر اروپا باید تا سال ۲۰۲۵ برای دیدن دوباره ماه‌گرفتگی کامل صبر کنند. رصدخانه گریفینس در لس‌آنجلس و پروژه تلسکوپ مجازی مستقر در ایتالیا، پخش زنده‌ای از این خسوف کامل را ارائه دادند.